

فریدالدین ابو حامد محمد بن ابوبکر ابراهیم بن اسحاق عطار نیشابوری، یکی از شعرا و عارفان نام آور ایران در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم هجری قمری است. بنا بر آنچه که تاریخ نویسان گفته اند بعضی از آنها سال ولادت او را ۵۱۳ و بعضی سال ولادتش را ۵۳۷ هجری ق. می دانند. او در قریه کدکن یا شادیاخ که در آن زمان از توابع شهر نیشابور بوده به دنیا آمد. از دوران کودکی او اطلاعی در دست نیست جز اینکه پدرش در شهر شادیاخ به شغل عطاری که همان دارو فروشی بود مشغول بوده که بسیار هم در این کار ماهر بود و بعد از وفات پدر، فریدالدین کار پدر را ادامه می دهد و به شغل عطاری مشغول می شود. او در این هنگام نیز طبابت می کرده و اطلاعی در دست نمی باشد که نزد چه کسی طبابت را فرا گرفته، او به شغل عطاری و طبابت مشغول بوده تا زمانی که آن انقلاب روحی در وی به وجود آمد و در این مورد داستانهای مختلفی بیان شده که معروفترین آن این است که:

«روزی عطار نیشابوری در دکان خود مشغول به معامله بود که درویشی به آنجا رسید و چند بار با گفتن جمله چیزی برای خدا بدهید از عطار کمک خواست ولی او به درویش چیزی نداد. درویش به او گفت: ای خواجه تو چگونه می خواهی از دنیا بروی؟ عطار گفت: همانگونه که تو از دنیا می روی. درویش گفت: تو مانند من می توانی بهیبری؟ عطار گفت: بله، درویش کاسه چوبی خود را زیر سر نهاد و با گفتن کلمه الله از دنیا برفت. عطار چون این را دید شدیداً متغیر شد و از دکان خارج شد و راه زندگی خود را برای همیشه تغییر داد.»

عطار نیشابوری بعد از مشاهده حال درویش دست از کسب و کار کشید و به خدمت شیخ الشیوخ عارف رکن الدین اکاف رفت که در آن زمان عارف معروفی بود و به دست او توبه کرد و به ریاضت و مجاهدت با نفس مشغول شد و چند سال در خدمت این عارف بود. عطار نیشابوری سپس قسمتی از عمر خود را به رسم سالکان طریقت در سفر گذراند و از مکه تا ماوراءالنهر به مسافرت پرداخت و در این سفرها بسیاری از مشایخ و بزرگان زمان خود را زیارت کرد و در همین سفرها بود که به خدمت مجدالدین بغدادی رسید. گفته شده در هنگامی که شیخ به سن پیری رسیده بود بهاءالدین محمد پدر جلال الدین بلخی با پسر خود به عراق سفر می کرد که در مسیر خود به نیشابور رسید و توانست به زیارت شیخ عطار نیشابوری برود، شیخ عطار نیشابوری نسخه ای از اسرار نامه خود را به جلال الدین که در آن زمان کودکی خردسال بود داد. شیخ عطار نیشابوری مردی پر کار و فعال بوده چه در آن زمان که به شغل عطاری و طبابت اشتغال داشته و چه در دوران پیری خود که به گوشه گیری از خلق زمانه پرداخته و به سرودن و نوشتن آثار منظوم و منثور خود مشغول بوده

است. در مورد وفات او نیز گفته های مختلفی بیان شده و برخی از تاریخ نویسان سال وفات او را ۶۲۷ هجری ق. دانسته اند و برخی دیگر سال وفات او را ۶۳۲ دانسته اند ولی بنا بر تحقیقاتی که انجام گرفته بیشتر محققان سال وفات او را ۶۲۷ هجری ق. دانسته اند و در مورد چگونگی مرگ او نیز گفته شده که او در هنگام یورش مغولان به شهر نیشابور توسط یک سرباز مغول به شهادت رسیده که شیخ بهاء الدین در کتاب معروف خود کشکول این واقعه را چنین تعریف می کند که وقتی لشکر تاتار به نیشابور رسید اهالی نیشابور را قتل عام کردند و ضربت شمشیری توسط یکی از مغولان بر دوش شیخ خورد که شیخ با همان ضربت از دنیا رفت و نقل کرده اند که چون خون از زخمش جاری شد شیخ بزرگ دانست که مرگش نزدیک است. با خون خود بر دیوار این رباعی را نوشت:

در کوی تو رسم سرفرازی این است      مستان تو را کمینه بازی این است  
با این همه رتبه هیچ نتوانم گفت      شاید که تو را بنده نوازی این است

شیخ عطار نیشابوری، یکی از شاعران بزرگ متصوفه و از مردان نام آور تاریخ ادبیات ایران است. سخن او ساده و گیراست. او برای بیان مقاصد عرفانی خود بهترین راه را که همان آوردن کلام ساده و بی پیرایه و خالی از هرگونه آرایش است انتخاب کرده است. شیخ عطار نیشابوری اگر چه در ظاهر کلام و سخن خود آن وسعت اطلاع و استحکام سخن استادانی همچون سنایی را ندارد ولی آن گفتار ساده که از سوختگی دلی هم چون او باعث شده که خواننده را مجذوب نماید و همچنین کمک گرفتن او از تمثیلات و بیان داستانها و حکایات مختلف یکی دیگر از جاذبه های آثار او می باشد و او سرمشق عرفای نامی بعد از خود همچون مولوی و جامی قرار گرفته و آن دو نیز به مدح و ثنای این مرشد بزرگ پرداخته اند چنانکه مولوی گفته است:

عطار روح بود و سنایی دو چشم او ما از پی سنایی و عطار آمدیم  
آثار شیخ عطار نیشابوری به دو دسته منظوم و منثور تقسیم می شود. آثار منظوم او عبارت است از:

- ۱- دیوان اشعار عطار نیشابوری که شامل غزلیات و قصاید و رباعیات است.
- ۲- مثنویات او عبارت است از: الهی نامه، اسرار نامه، مصیبت نامه، وصلت نامه، بلبل نامه، بی سر نامه، منطق الطیر، جواهر الذات، حیدر نامه، مختار نامه، خسرو نامه، اشتر نامه و مظهر العجایب. از میان این مثنویهای عرفانی بهترین و شیواترین آنها که به نام تاج مثنویهای او به شمار می آید منطق الطیر است که موضوع آن بحث پرندگان از یک پرنده داستانی به نام سیمرغ است که منظور از پرندگان سالکان راه حق و مراد از سیمرغ

وجود حق است که عطار در این منظومه با نیروی تخیل خود و به کار بردن رمزهای عرفانی به زیباترین وجه سخن می گوید که این منظومه یکی از شاهکارهای زبان فارسی است و منظومه مظهر العجایب و لسان الغیب است که برخی از ادبا آنها را به عطار نسبت داده اند و برخی دیگر معتقدند که این دو کتاب منسوب به عطار نیست.

آثار منشور شیخ عطار نیشابوری:

یکی از معروفترین اثر منشور عطار تذکره الاولیاست که در این کتاب عطار به معرفی ۹۶ تن از اولیا و مشایخ و عرفای صوفیه پرداخته است.